



نقد فیلم ماتیلدا با تاکید بر رویکرد تربیتی ویگوتسکی

مهدیه دهقان نیری^۱، فاطمه اردو^۲

۱ دانشجوی دکتری، حکمرانی آموزش، دانشگاه تهران. mahdieh.niry@gmail.com ۰۹۱۳۵۱۶۶۳۷۶

۲. استادیار، حکمرانی، آموزش، دانشگاه تهران. f.ordoo@ut.ac.ir ۰۹۱۲۴۸۵۵۷۸۳

Criticism of Matilda movie with emphasis on Vygotsky's educational approach

چکیدہ:

هدف از نگارش این مقاله نقد محتوایی فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲)، نحوه برخورد در محیط آموزشی بر اساس شخصیت افراد با دانش آموزان مستعد و روابط میان معلم و شاگرد است. روش تحقیق تحلیلی _ توصیفی از نوع محتوایی می‌باشد که بر اساس تفکر انتقادی به بررسی نقاط قوت و ضعف این فیلم پرداخته است. از مهم ترین نقاط قوت فیلم از جهت آموزشی، بررسی به جنبه های مختلف روابط انسانی درون مدرسه و اثرگذاری آن بر فرایند زندگی دانش آموزان می‌باشد و از جهت ساختار فیلم داشتن جنبه موزیکال در نسخه ۲۰۲۲ که منجر به ایجاد لحنی شیرین و انتخاب بازیگران بجا در نقش های اصلی بخصوص بازیگر خردسال در نقش ماتیلدا که بعنوان نقش اصلی به ایفای نقش می‌پردازد. از نقاط ضعف می توان به این موضوع اشاره کرد که به بازیگران نقش مکمل کار چندانی داده نشده است، و یک فیلم در ذات ۹۰ دقیقه ای چیزی نزدیک به دو ساعت طول می کشد همچنین گاهی در فیلم از جنبه اغراق برای بیان مسائل استفاده کرده است. تماشای این فیلم به معلمین، کادر آموزشی، دانشجویان رشته علوم تربیتی و فعالان حوزه تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، روابط انسانی، ماتیلدا. محیط آموزشی، معلم.

Abstract:

The purpose of writing this article is to review the content of the movie *Matilda* (2022), how to deal with talented students in the educational environment based on their personality and the relationship between the teacher and the student. Analytical-descriptive research method is a type of content that examines the strengths and weaknesses of this film based on critical thinking. One of the most important strengths of the film from an educational point of view is the examination of various aspects of human relationships within the school and its impact on the students' life process, and from the point of view of the film's structure, it has a musical aspect in the 2022 version, which leads to the creation of a sweet tone and the right choice of actors. The main roles, especially the young actress in the role of *Matilda*, who plays the main role. Weaknesses include the fact that supporting actors are not given much to do, and a 90-minute film lasts almost two hours, and sometimes the film uses exaggeration to express issues. This movie is recommended for teachers and teaching staff to watch.

Keyword: education, Human relations, Matilda, Educational environment. the teacher



۱. مقدمه:

روزانه تعداد بیشماری از والدین با چالش تربیت کودک مواجه می‌شوند. رشد و تربیت موفقیت آمیز کودک در گرو شناخت ابعاد مختلف تربیت و افراد و محیط‌هایی است که کودک در آن زندگی می‌کند. تربیت فعالیتی منظم و مداوم در جهت کمک به رشد جسمانی، اخلاقی، شناختی و عاطفی است بعبارت دیگر تربیت ابعاد گوناگونی را در برمی‌گیرد (رشید و همکاران. ۱۳۹۶). در بدو تولد مسئولیت تعلیم و تربیت کودک بر عهده والدین و مراقبان اصلی اوست، بنابراین خانواده بعنوان منبع مهم تامین امنیت و خانه مأمی برای رشد و تربیت کودک است؛ با بزرگتر شدن کودک و ورود به مدرسه این محیط نیز بعنوان یکی از محیط‌های اصلی برای تعلیم و تربیت او بحساب می‌آید. با ورود به مدرسه و شکل‌گیری روابط با همسالان و معلمان این افراد نیز می‌توانند بعنوان عناصر اصلی و اثرگذار در تعلیم و تربیت کودک بشمار آیند. تعلیم و تربیت کودک از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های والدین و نهادهای آموزشی است که تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر رشد همه‌جانبه کودک دارد (افروز. ۱۳۹۸)، لذا توجه به این موضوع بسیار مهم و کلیدی است چرا که در صورت استفاده از روش‌های نادرست می‌تواند تأثیرات مخربی بر سلامت کودک در ابعاد گوناگون بجا بگذارد. استفاده از روش‌های صحیح تعلیم و تربیت نیز می‌تواند به ارتقاء سلامت روانی، اجتماعی، و تحصیلی کودکان کمک کند و زمینه‌ساز موفقیت‌های آینده آنها باشد (شعاری نژاد. ۱۳۹۸).

مدرسه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، تربیتی و آموزشی و اصلی‌ترین رکن تعلیم و تربیت است که به منظور تربیت صحیح دانش‌آموزان در ابعاد مختلف و کشف استعدادها و هدایت رشد متوازن روحی و جسمانی آنان براساس اهداف مصوب دوره‌های تحصیلی و برابر ضوابط و دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش تأسیس و اداره می‌شود. در مدارس، آموزش ارزش‌ها در لایه لای دروس گوناگون صورت می‌گیرد و کارایی تعلیم ارزش‌ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. معلم با شناخت امکانات، به تجهیز محیط آموزشی می‌پردازد و با شناخت علایق و توانایی شاگردان، آنان را در جهت صحیح یادگیری هدایت می‌کند؛ چرا که موفقیت در مدارس مستلزم آن است که معلمان عقاید دیگران را بپذیرند (روحانی و باقری. ۱۳۹۱). تعلیم و تربیت کودک تأثیرات مثبت فراوانی بر سلامت روانی، اجتماعی و تحصیلی او دارد؛ همچنین به بهبود مهارت‌های اجتماعی و تعاملات بین‌فردی او کمک می‌کند. آموزش مهارت‌های ارتباطی، همکاری و همدلی در محیط‌های آموزشی و خانوادگی باعث می‌شود که کودکان قادر به ایجاد و حفظ روابط مثبت با دیگران باشند. این مهارت‌ها در آینده به موفقیت در محیط‌های اجتماعی و حرفه‌ای کمک می‌کند. تعلیم و تربیت مناسب به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های عاطفی و اجتماعی را بیاموزند که برای سلامت روانی آنها ضروری است. کودکانی که تحت تعلیم و تربیت صحیح قرار می‌گیرند، به طور معمول اعتماد به نفس بالاتری دارند و بهتر قادر به مدیریت استرس و هیجانات خود هستند (شعاری نژاد. ۱۳۹۸). مطالعه‌های روانشناختی نشان می‌دهند که کودکان با حمایت‌های عاطفی و آموزشی مناسب کمتر به اختلالات روانی مانند اضطراب و افسردگی دچار می‌شوند. کودکانی که از آموزش و تربیت مناسب بهره‌مند هستند، معمولاً انگیزه بیشتری برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دارند. استفاده از روش‌های تدریس مؤثر، تشویق‌های مثبت و ایجاد محیط آموزشی حمایتگر می‌تواند به افزایش عملکرد تحصیلی و ایجاد علاقه به یادگیری کمک کند. تحقیق‌ها نشان داده‌اند که حمایت‌های آموزشی و ایجاد یک محیط یادگیری مناسب، به طور مستقیم با بهبود نتایج تحصیلی مرتبط است. تعلیم و تربیت مناسب به کودکان در زمینه مهارت‌های حل مسئله و تفکر انتقادی نیز اثرگذار است. کودکان با یادگیری چگونگی تحلیل مسائل، ارزیابی گزینه‌ها و اتخاذ تصمیمات منطقی، قادر به مواجهه با چالش‌های زندگی می‌شوند. این مهارت‌ها به آنها کمک می‌کند تا در موقعیت‌های مختلف زندگی، تصمیمات بهتری بگیرند و با مشکلات به شیوه‌ای مؤثرتر مقابله کنند (نثری آبی بیگلر. ۱۴۰۲).

مفهوم نخبه شخصیتی برگزیده، ممتاز و دارای استعداد یا توانایی ذهنی فوق‌العاده است. این توانایی و استعداد ممکن است کلی یا استعدادی خاص مانند موسیقی یا ریاضی باشد. عملکرد این گروه ممکن است در زمینه‌های مختلفی مانند توانایی‌های کامل هوشی، استعدادی خاص،



تفکر مولد و خلاق و توانمندی های رهبری فراتر از حد معمول باشد (آراسته و محمودی راد، ۱۳۸۳). معمولاً برگزیدگان، دربرگیرنده تمام افراد و اشخاصی هستند که دارای خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد بوده و یا دارای استعداد و قابلیت هایی عالی در زمینه کار خود و یا در برخی فعالیت ها می باشند (به نقل از روشه، ۱۳۸۵).

در بسیاری از پژوهش ها تأیید شده که آنچه بیش از همه در خودپروی و باورهای انگیزشی دانش آموزان نقش دارد سبک های ارتباطی معلم با دانش آموزان در کلاس درس است. بر اساس نظریه خود تعیینی دسی (۲۰۰۰) رفتارهای معلمان در ارتباط با دانش آموزان در طول پیوستاری قرار می گیرد که یک سوی آن سبک کنترلی و در سوی دیگر آن سبک تأیید رفتارهای خودپروی است. منظور از سبک های ارتباطی بازخوردهای رفتاری آشکار و پنهان معلم به اعمال و رفتارهای دانش آموزان به منظور تسلط و کنترل یا دادن آزادی برای بیان افکار، عقاید و رفتار است (البرزی، ۱۳۸۹). معلمانی که در ارتباط های خود به تأیید خودپروی می پردازند هدف ها، انتظارات، قانون ها و استانداردها را برای دانش آموزان در ساختاری واضح و آشکار تعیین می کنند (ریو و جانگ، ۲۰۰۶). علاوه بر این معلم از این که دانش آموز چگونه یاد می گیرد، می فهمد و احساس می کند آگاه است و به نیازها، ترجیحات و دلبستگی های دانش آموزان اهمیت میدهد و در رابطه ی گرم و صمیمانه و منطقی با شیوهای غیر کنترلی و تهدیدکننده به آموزش می پردازد (البرزی، ۱۳۸۹). هنگامی که معلم با دانش آموز ارتباط سازنده و مؤثر داشته باشد (تأیید خودپروی)، هم می تواند فراهم کننده فرصت های یادگیری، هم عاملی اساسی در ارضاء دلبستگی ها و نیازها و هم پرورش دهنده ی مهارت های اساسی و باورهای اسنادی در دانش آموزان است (ریو، جانگ، هاردی و امرا، ۲۰۰۵). همین ارتباط سازنده معلم با دانش آموزان می تواند به شکل گیری شخصیت مثبت و مسئولیت پذیر در کودکان کمک کند که در نهایت به نفع جامعه و محیط پیرامون آنها خواهد بود.

نقش مدارس با این عقیده که "مدارس بعنوان قانونی برای تغییر هستند" هسته مرکزی پژوهش های اثربخشی مدرسه را شکل داد و از آن پس پژوهش ها به بررسی ویژگی هایی در مدارس پرداختند که احتمال ایجاد تغییر را دارا بودند (رینولدز و کریمز، ۱۹۹۰). این عقیده باعث آغاز "نهضت مدرسه اثربخش" در آمریکا و برخی کشورهای دیگر شد (هالینگر، ۲۰۰۳). پژوهش هایی که تحت تأثیر این نهضت صورت گرفت، منجر به شناسایی مجموعه ای از عوامل درون مدرسه ای مؤثر بر اثربخشی مدرسه شد که در این بین نقش مدیر مدرسه بسیار پررنگ و حساس دیده می شد. نتایج این پژوهش ها عموماً حاکی از آن بود که قابلیت های مدیران در ایفای نقش های مؤثر رهبری، یکی از مؤلفه های اساسی مدارس اثربخش می باشد (هالینگر و هک، ۱۹۹۶). اهمیت مدیر در اثربخشی مدرسه تا حدی افزایش یافت که برخی از پژوهشگران (کاتون، ۲۰۰۳؛ لیت وود، هریس و هاپکینز، ۲۰۰۸) مدعی شدند که در بین عوامل درون مدرسه ای، پس از معلم به ویژه تدریس او، مدیر دومین عامل مهم و مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. در زمینه تأثیر خانواده و مدرسه بخصوص معلم بر دانش آموزان فیلم های متعددی ساخته شده است که هر کدام از جنبه نمایشی و آموزشی قابل نقد و بررسی است؛ برای نمونه می توان به فیلم تویگسون (Twigson)، گره کور (Chorus)، انجمن شاعران مرده (Dead Poets Society)، هاف نلسون (Half Nelson)، سسککه و ماتیلدا ۲۰۲۲ اشاره کرد؛ در این مقاله با توجه به چند ویژگی از جمله طراحی بصری خوب، جلوه های موزیکال و جذاب شنیداری، نکات آموزنده تربیتی و نقش آفرینی قوی بازیگران کودک فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲) مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

۲-۱. مبانی نظری:

بررسی رشد کودک برای درک انسان بالغ و تعیین مشخصه های محیط اجتماعی تأثیرگذار در پرورش وی بسیار مهم است (پلگرینی، ۱۹۹۹). فراگیری زبان تا سال های آغاز دبستان ادامه می یابد و پس از آن کودک به فراگیری نقش های اجتماعی زبان می پردازد؛ یعنی علاوه بر اینکه یاد گرفته است چه بگوید، یاد می گیرد چه نگوید و کجا نگوید (رشتچی، ۱۳۸۹). نظریه ویگوتسکی بر تعامل بین تفکر و زبان پایه ریزی شده و محصول مشاهدات او از گفتارهای اولیه کودک است. او اعتقاد دارد رشد تفکر و زبان با یکدیگر موازی نیست. منحنی رشد



زبان و تفکر با یکدیگر تلاقی می‌کنند، در مقاطعی از یکدیگر فاصله می‌گیرند، دوباره به یکدیگر میرسند و حتی ممکن است با هم یکی شوند. تفکر و زبان دارای منشأ متفاوت ژنتیکی و مستقل از یکدیگر هستند، اما در دوره‌ای از کودکی با یکدیگر تلاقی می‌کنند (ویگوتسکی، ۱۹۶۲). ویگوتسکی دو نقش برای زبان قائل است: یکی نقش بیرونی برای ایجاد ارتباط با محیط اطراف و دیگری نقش درونی برای کنترل افکار. برای ویگوتسکی نقش تعامل اجتماعی به عنوان عامل تعیین‌کننده رشد زبان، مشخصه‌ای محوری است. او بر این اعتقاد است که رشد تفکر با زبان صورت می‌گیرد؛ یعنی رشد عقلی کودک بستگی به تسلط وی بر ابزار اجتماعی تفکر یعنی زبان دارد. عبارت دیگر، زبان در یادگیری یا به قول ویگوتسکی درونی کردن دانش و ابزارهای تفکر که ابتدا در محیط اطراف (بیرون از کودک) قرار دارند، نقش اساسی دارد. تجربه فرهنگی - اجتماعی کودک از طریق زبان انجام می‌شود و همین امر موجب رشد تفکر می‌شود. منطقه مجاور رشد به فاصله بین توانایی کودک برای انجام کاری زیر نظر یک بزرگسال و با مشارکت همسالان و توانایی او برای حل مسئله به صورت مستقل اطلاق می‌شود، ویگوتسکی بر این باور است که یادگیری در این منطقه صورت می‌گیرد. نکته مهم در مورد منطقه مجاور رشد ایده حل مسئله است؛ به این معنی که کودک دارای توانایی بالقوه برای حل بخشی از مسئله به صورت مستقل است و بخشی را نیز می‌تواند تحت نظارت و راهنمایی دیگران (بزرگسالان یا همسالان) بهتر حل کند (وود، ۱۹۹۳).

فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲) به کارگردانی متیو وارچوس که در آن بازیگرانی همچون آلیشا ویر، لاشانا لینچ، استیون گراهام، آندره آریسپرو و اما تامپسون ایفای نقش کرده‌اند. فیلم ماتیلدا را می‌توان با نظریه ویگوتسکی در زمینه تربیت کودک، به ویژه نظریه «یادگیری اجتماعی» و «محدوده رشد تقریبی تحلیل کرد. در زمینه محدوده رشد تقریبی ویگوتسکی معتقد بود که کودکان در محیط‌های اجتماعی و با کمک بزرگترها یا افراد ماهرتر، می‌توانند به سطحی از یادگیری و مهارت دست یابند که به تنهایی نمی‌توانستند (سیف، ۱۳۹۳). در فیلم، شخصیت خانم هانی می‌تواند نماینده‌ای از این نقش حمایتی باشد. او با درک هوش و توانایی‌های ماتیلدا، او را تشویق و راهنمایی می‌کند تا به پتانسیل واقعی‌اش دست یابد. در واقع، خانم هانی همان کسی است که در محدوده رشد تقریبی ماتیلدا قرار دارد و او را برای غلبه بر چالش‌های زندگی و تحصیل یاری می‌دهد. ویگوتسکی تأکید می‌کند که تعامل اجتماعی برای یادگیری بسیار مهم است، عبارت دیگر، کودک از طریق گفتگو، مشاهده و همکاری با دیگران، مفاهیم جدید را درک می‌کند. این تعاملات اغلب با بزرگسالان یا همسالان صورت می‌گیرد و به عنوان پلی برای یادگیری مفاهیم پیچیده عمل می‌کند (سیف، ۱۳۹۳). در فیلم، ماتیلدا با تعامل با شخصیت‌های مختلف از جمله دوستانش، کتابدار (خانم فلیس) و معلمش (خانم هانی)، یاد می‌گیرد که چگونه با سختی‌ها مقابله کند و به عدالت و آزادی برسد. این تعاملات اجتماعی نقش مهمی در توسعه توانایی‌ها و اعتماد به نفس او دارند. در این نظریه به اهمیت تعامل اجتماعی برای یادگیری تأکید دارد که در فیلم ماتیلدا با تعامل با شخصیت‌های مختلف از جمله دوستانش، کتابدار (خانم فلیس) و معلمش (خانم هانی)، یاد می‌گیرد که چگونه با سختی‌ها مقابله کند و به عدالت و آزادی برسد. این تعاملات اجتماعی نقش مهمی در توسعه توانایی‌ها و اعتماد به نفس او دارند.

ویگوتسکی به نقش بزرگسالان و زبان هم در یادگیری کودک اشاره دارد. زبان به عنوان ابزاری برای تفکر و یادگیری است و معتقد است که زبان به کودک کمک می‌کند تا مفاهیم پیچیده را درک و درونی کند و از طریق بیان آن‌ها در قالب کلمات و داستان‌ها، خودآگاهی و تفکر انتقادی را تقویت کند (Gindis، ۱۹۹۹). از این دید در فیلم نه تنها ماتیلدا با استفاده از تخیل و داستان‌پردازی، خود را بیان می‌کند بلکه از طریق داستان‌هایی که به خانم فلیس می‌گوید، مسائل عمیق‌تری را درباره زندگی و عدالت به نمایش می‌گذارد. این توانایی تخیل و روایتگری، ابزار مهمی برای درک خود و جهان اطرافش است، که در نظریه ویگوتسکی نیز به آن توجه شده است. در تضاد با خانم هانی، شخصیت‌هایی مانند والدین ماتیلدا (آقای و خانم ورم‌وود) و خانم ترانچبول، اثری منفی در یادگیری و رشد او ایفا می‌کنند. آنها مانع از پیشرفت او می‌شوند و به جای تشویق، او را سرکوب یا مورد غفلت قرار می‌دهند. این شخصیت‌ها به نوعی نشان می‌دهند که چگونه محیط نامناسب و عدم حمایت بزرگسالان می‌تواند جلوی رشد و پیشرفت کودکان را بگیرد.



بطور کلی می‌توان گفت این فیلم در چند بخش مجزا به بررسی سبک‌های ارتباطی اطرافیان بر کودک و شخصیت کودک در تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری بر دیگران اشاره دارد. در بخش ابتدایی فیلم که به نگرش والدین نسبت به فرزند خود و به تبع آن برخورد نادرست والدین با دخترشان اشاره دارد که چون انتظار والدین داشتن فرزند پسر بوده لذا همین انتظار منجر به سردی روابط با کودک خود شده و با بزرگتر شدن کودک و در عین حال باهوش بودن او مشکلات در روابط والدین با کودک بیشتر شد. در واقع در این پرده می‌توان به اثر محیط خانواده در رابطه با کودک اشاره کرد. محیط خانواده با فراهم کردن روابط نزدیک، مهارت‌های فرزندپروری قوی، ارتباط مناسب و مدلسازی رفتارهای مثبت می‌تواند مامن و منبع قوی برای حمایت از کودک باشند و از طرفی محیط خانواده می‌تواند محیطی مشکل‌ساز برای اعضا آن باشد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که حمایت‌های موجود در این محیط دچار کاستی و محدودیت باشد (Family content and process theory (FCPT)، درست شبیه آنچه در ابتدای این فیلم به آن اشاره دارد و به تصویر کشیده است. در واقع در خانواده‌هایی که رفتار تحقیرآمیز وجود دارد و مرزهای افراد روشن نیست، حل مسئله اتفاق نمی‌افتد (قمری و همکاران. ۱۳۹۳ ص ۵۱-۶۲)؛ درست با ورود ماتیلدا به مدرسه و تجربه فضای جدید او وارد یک دایره روابط جدید با همسالان، معلم و از همه مهمتر مدیر مستبد و زورگو می‌شود که جز قوانین سخت گیرانه خود به چیز دیگری اعتقاد ندارد. در این فیلم در مدرسه با دو بخش از برخوردها روبرو می‌شویم که در یک پرده نمایانگر برخور خوب و رابطه صمیمانه معلم با ماتیلدا و همه دانش‌آموزان است و یک پرده دیگر که بیانگر رابطه بد و برخورد نامناسب مدیر با دانش‌آموزان و حتی معلم است که صرفاً بر روی قوانین سخت گیرانه خود پافشاری دارد و روابط انسانی را در برخوردهای خود در نظر نمی‌گیرد. همین عامل مستبد بودن و سخت‌گیری نابجا منجر به ایجاد ترس شدید در دانش‌آموزان شده تا جاییکه ماتیلدا بعنوان دانش‌آموزی باهوش و به نوعی شجاع و جسور در مقابل این استبداد و بی‌عدالتی می‌ایستد. این فیلم به نوعی بیانگر نقش روابط انسانی در برخوردهاست که چطور یک معلم با برقراری ارتباط صمیمانه و توجه به نیازهای دانش‌آموزان می‌تواند بر آنها اثر بگذارد. می‌توان گفت انگیزش و موفقیت شناختی دانش‌آموزان در گرو فرایند ارتباط‌های بین معلم و دانش‌آموز است و آنچه تبیین‌کننده نقش مؤثر معلم در کسب پیامدهای مثبت است علاوه بر خودتعیینی و انگیزش، تأثیری است که معلم بر باورهای اسنادی دانش‌آموزان دارد. محیط ایجاد شده توسط معلم، باورهای اسنادی متفاوتی در ارتباط با موفقیت‌ها و شکست‌ها در دانش‌آموزان ایجاد می‌کند (شکوهی یکتا و همکاران. ۱۳۹۵). عبارت دیگر می‌توان گفت با فراهم کردن محیط آموزشی و خانوادگی حمایتگر، می‌توان به رشد همه‌جانبه و موفقیت کودکان کمک کرد. توجه به اصول صحیح تعلیم و تربیت و ارتقاء مهارت‌های مرتبط می‌توان زمینه‌ساز بهبود کیفیت زندگی کودکان و موفقیت‌های آینده آنها باشد.

۲. روش شناسی:

هدف این پژوهش شناسایی نقاط قوت و ضعف فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲) با روش تحلیلی-توصیفی است. در ابتدا به توصیف اجمالی فیلم و نحوه بیان و برخورد والدین با دختر بچه‌ای بنام ماتیلدا اشاره می‌شود و در ادامه به انواع برخورد در مدرسه و تأثیرات آن اشاره دارد.

۲-۱. معرفی کلی اثر از نظر محتوا:

رولد دال در کتاب خود در سال ۱۹۸۸ که به نام قهرمان کوچک آتشین آن نامگذاری شده، این کتاب را به شیوه‌ای خواستنی و ممتاز نوشته است. اما اقتباس ۲۰۲۲ نتفلیکس از داستان ماتیلدا، یا همان «ماتیلدا موزیکال» به کارگردانی متیو وارچوس، از اقتباس صحنه‌ای و تئاتر موزیکال این داستان در سال ۲۰۱۱ الهام گرفته شده است. ژانر فیلم Matilda the Musical 2022 فانتزی موزیکال و کمدی-درام است. مدت زمان فیلم ماتیلدا ۲۰۲۲ نیز ۱۱۷ دقیقه است. داستان فیلم در مورد ماتیلدا، دختری خارق‌العاده و مجهز به ذهنی تیزبین و تخیلی روشن،



جرات می‌کند در برابر والدین بدون تدبیر و مدیر سرکوبگر خود موضع بگیرد تا داستان زندگی‌اش را با نتایج معجزه‌آسایی تغییر دهد. در واقع فیلم "ماتیلدا" ۲۰۲۲ (Matilda the Musical) که اقتباسی از رمان مشهور "ماتیلدا" اثر رولد دال است، نگاهی عمیق به اثر معلم و مدیر مدرسه بر دانش‌آموزان دارد. داستان بر روی دختری باهوش و سرکش به نام ماتیلدا تمرکز دارد که تحت تاثیر شخصیت‌های مختلف، بویژه معلم دلسوزش، خانم هانی، و مدیر بی‌رحم مدرسه، خانم ترانچبول، قرار می‌گیرد. هرچند در این فیلم چاشنی اغراق هم برای جذابیت‌های بیشتر افزوده شده و در آن ماتیلدا به قدرت‌های ویژه‌ای دست پیدا می‌کند و به این روش سعی دارد با مدیر مدرسه بد اخلاق و بی‌رحمش مقابله کند. در واقع این امر بیان‌کننده صدای اعتراض دانش‌آموزان است که وقتی در محیط مدرسه با بد اخلاقی یا فشارهای نابجا روبرو می‌شوند به حدی سعی در ابراز آن به صورت‌های مختلف دارند. پیروزی ماتیلدا در این است که یک دختر بچه سرانجام جایگاه خود را در میان آدم‌هایی که او را درک می‌کنند، پیدا می‌کند. این فیلم، داستانی است درباره خانواده‌ای که برای خود انتخاب می‌کنند در مقابل خانواده‌ای که در آن به دنیا آمده‌اید و برای برخی افراد، خانواده‌ای که انتخاب شده، همان چیزی است که اهمیت دارد. این ماتیلدا فقط یک فیلم بزرگ درباره دختر بچه‌ای نیست که سعی می‌کند خودش را پیدا کند، بلکه درباره این است که باید هر جایی که بی‌عدالتی وجود دارد، در برابرش ایستاد و باید افرادی را پیدا کنید که آنقدر به شما ایمان داشته باشند که حمایتان کنند؛ همچنین در کنار آن به قدرت و تاثیر یک معلم در زندگی یک کودک دارد که چطور می‌تواند روابط انسانی و صمیمانه یا سختگیرانه منجر به تغییر رویه زندگی افراد گردد. فیلم درمورد یک دختر شجاع و باهوش که وارد یک مدرسه عجیب می‌شود و در آنجا بر خلاف اغلب بچه‌ها، شرایط عجیبی دارد. او بشدت به مطالعه کتاب علاقه دارد و همیشه بدنبال یادگیری چیزهای جدید است اما والدین او اصلا از این شرایط راضی نیستند و با او برخورد نامناسبی دارند. سرانجام با تلاش معلمی بنام خانم میس هانی والدین او مجاب می‌شوند تا ماتیلدا را به مدرسه بفرستند اما در مدرسه نیز مانند محیط خانه مدیری مستبد با او و همه دانش‌آموزان برخوردهای سخت و خشن دارد.

جدول ۱. معرفی شخصیت‌های اصلی فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲)

شخصیت‌های فیلم	اسامی بازیگران	توضیحات
ماتیلدا ورم وود	آلیشا ویر	دختری باهوش و خلاق و مستقل
خانم آگاتا ترانچ بال	اما تامپسون	مدیری مستبد و غیرقابل انعطاف
خانم جنیفر هانی	لاشانا لینچ	معلم دلسوز و حمایتگر ماتیلدا،
آقای هری ورم وود	استیون گراهام	مادر ماتیلدا که توجهی به فرزند خود ندارد.
خانم ورم وود	آندریا رایزبورو	پدر ماتیلدا که نقش پدری غیر حامی مسئولیت را بازی می‌کند.
خانم فلیس	سیندو وی	کتابداری مهربان و مشوق

۲-۲. علت انتخاب اثر:

این اثر فیلمی در زمینه روابط انسانی و برخورد با کودکان در محیط خانه و مدرسه می‌باشد و می‌تواند بعنوان نمونه کوچکی از انواع برخوردهای با کودک و یک نوع واکنش به این رفتارها را به نمایش بگذارد. ماتیلدا" با طراحی بصری جذاب و موزیکال قوی، تجربه‌ای بصری و شنیداری دلپذیر ارائه می‌دهد و به طور ویژه در طراحی صحنه و ساختار موزیکال قوی است. همچنین در زمینه شخصیت پردازی،



بازیگران با اجرای قوی و تاثیرگذار خود، نقش‌های خود را به خوبی ایفا کرده‌اند. از نظر نوآوری این فیلم با ترکیب موزیکال و عناصر فانتزی، در میان فیلم‌های مشابه، یک تجربه متفاوت ارائه می‌دهد. مهمترین نکته در انتخاب اینکه این فیلم از نظر تحلیل‌های اجتماعی و روانشناختی می‌تواند انتخاب مناسبی باشد. در ادامه به بررسی نقاط قوت و ضعف فیلم از دیدگاه ادبی و روانشناسی می‌پردازیم.

۳. بحث درباره یافته‌ها:

۳-۱. نقد ادبی

۳-۱-۱. نقاط قوت اثر:

با وجود این که لحن فیلم ماتیلدا (۲۰۲۲) شیرین‌تر از یک اثر ویژه رولد دال است، اما شیرینی به سود کار تمام شده است. آنچه بیش از هر چیز به تأیید این موضوع کمک می‌کند، بازگشت آن به فضای اصلی انگلیسی کتاب و همراه با آن، طنز پوچ‌تر و خودخوارتر بریتانیایی است که نوشته‌های دال همیشه مملو از آن بود. با این حال، چیزی که واقعاً این «ماتیلدا» را نسبت به اقتباس‌های قبلی متمایز می‌کند، این است که چگونه با وجود اینکه هنوز هم خود را در واقعیت برجسته‌تر داستان‌های موزیکال و رولد دال قرار می‌دهد، مضامین تیره‌تر داستان را به شیوه جالب خودش برجسته می‌کند و آنها را در یک داستان مدرن قرار می‌دهد. اما فراتر از لحن و ساختار فیلمنامه، همیشه انتخاب بازیگر امری دشوار است؛ چرا که انتخاب یک بازیگر کودک در هر نقشی فوق‌العاده سخت است، ولی زمانی که آنها نقش اول را داشته باشند، همه چیز بسیار دشوارتر است و دویو و فیلمش در سال ۱۹۹۶ بسیار خوش شانس بودند که مارا ویلسون را به عنوان ماتیلدا داشتند. اجرای ویلسون در آن اثر، عملکردی بود که حرفه او را مشخص کرد و هیچ هنرپیشه جوانی به راحتی نمی‌تواند به اوج کار او در آن اثر برسد. خوشبختانه، آلیشا ویر، بازیگر تازه وارد نقش ماتیلدا، این شخصیت آشنا را با اجرای بسیار قوی خود می‌سازد.

دیگر بازیگران شاخص این فیلم نیز عملکرد درخشانی دارند؛ برای مثال: لاشانا لینچ به عنوان معلم حامی ماتیلدا خانم هانی و اما تامپسون به عنوان مدیر مستبد او، خانم ترانچپال، کاملاً از آلیشا ویر و بازی‌اش پشتیبانی می‌کنند. اما تامپسون، یک نقش خاص در این فیلم دارد؛ او انرژی خاصی را برای نقش ترانچپال به ارمغان می‌آورد که فقط می‌توانست در یک تولید بریتانیایی کار کند. اما تامپسون در قامت این شخصیت با چکمه‌های سنگینش روی صحنه قدم می‌زند و دیالوگ‌های شرورانه و در عین حال مضحک را به شیوه‌ای جالب ارائه می‌دهد. البته نباید فراموش کرد که عملکرد او تنها با لباس و گریم باورنکردنی کار است که تقویت می‌شود تا او را به یک خانم ترانچپال عالی تبدیل کند. در مجموع بصورت تیتروار می‌توان نکات قوت این اثر را بدن صورت نام برد:

۱. کارگردانی و طراحی صحنه:

طراحی صحنه در این فیلم بسیار چشم‌نواز و خلاقانه است. هر صحنه با استفاده از رنگ‌های شاد و پر جنب و جوش، فضایی فانتزی و کودکانه را ایجاد می‌کند که با تم داستان همخوانی دارد. این طراحی صحنه‌ها به خوبی دنیای جادویی ماتیلدا را زنده می‌کند.

۲. بازیگری:

بازیگران اصلی، بویژه الیسا ویر در نقش ماتیلدا، عملکردی بسیار قدرتمند دارند. ویر توانسته به خوبی معصومیت، هوش و سرکشی ماتیلدا را به تصویر بکشد. همچنین، اما تامپسون در نقش خانم ترانچپال به شکلی عالی نقش یک شخصیت شرور را ایفا می‌کند و حضور او در صحنه‌ها بسیار تاثیرگذار است.

۳. موسیقی:

به عنوان یک فیلم موزیکال، آهنگ‌ها از مهم‌ترین نقاط قوت فیلم هستند. تیم مینچین آهنگسازی این فیلم را بر عهده داشته و آهنگ‌ها به خوبی احساسات مختلف شخصیت‌ها را بازتاب می‌دهند و هماهنگی گروهی بازیگران با موسیقی، تجربه‌ای لذت‌بخش برای بیننده به ارمغان می‌آورد.



۴. فیلم‌برداری:

استفاده از زوایای دوربین و حرکات نرم و متمرکز دوربین به خلق لحظات تاثیرگذار کمک کرده است. رنگبندی تصاویر و استفاده از نورپردازی نیز فضایی تخیلی و فانتزی ایجاد می‌کند که هم برای کودکان و هم بزرگسالان جذاب است.

۳-۱-۲. نقاط ضعف اثر:

با این حال، برای نسخه ۲۰۲۲، سازندگان فیلم واقعاً به سوء استفاده و ناامیدی کودکان در مرکز داستان آن پرداخته‌اند. در واقع فیلمساز اجازه می‌دهد احساسات به حالت خام درآیند. این هنوز هم در دل خود فیلمی بازیگوش و خوش بینانه است، اما داشتن آن لحظات تاریکی تنها باعث می‌شود که ماتیلا و متحدانش در این مسیر پیروزمایی را به دست آورند و در عین حال موضوع واقعی کودک آزاری را در فضایی حساس برجسته می‌کند. در جهت نقد فیلم می‌توان به این موضوع اشاره کرد که به بازیگران نقش مکمل کار چندانی داده نشده است، و یک فیلم در ذات ۹۰ دقیقه‌ای چیزی نزدیک به دو ساعت طول می‌کشد. از طرفی از جنبه آموزشی می‌توان گفت این فیلم کمی در توانمندی های کودک (ماتیلا) حالت بزرگنمایی و اغراق گونه اشاره کرده است. همچنین در زمینه نقاط ضعف فیلم از دید ادبی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عدم عمق داستان:

در حالی که فیلم از لحاظ بصری و موسیقی بسیار جذاب است، گاهی اوقات عمق داستان و توسعه شخصیت‌ها قربانی زیبایی‌های ظاهری می‌شود. فیلم بیشتر بر جلوه‌های بصری و سکانس‌های موزیکال تمرکز دارد تا کاوش عمیق‌تر در روان‌شناسی شخصیت‌ها و تضادهای درونی آنها که این مسئله ممکن است برخی از مخاطبان بزرگسال را که به دنبال تحلیل عمیق‌تر داستان هستند، ناراضی کند.

۲. تداوم ضرباهنگ:

در برخی لحظات، به‌ویژه در نیمه دوم فیلم، ضرباهنگ داستان کمی کند می‌شود و سکانس‌های موزیکال کمی طولانی به نظر می‌رسند. این مسئله ممکن است باعث کاهش جذابیت برای مخاطب شود و برخی از صحنه‌ها را کش دار جلوه دهد.

۳. تصویرسازی کاریکاتوری از شخصیت‌های منفی:

در حالی که خانم ترانچبول به خوبی توسط اما تامپسون به تصویر کشیده شده، شخصیت او به شدت کاریکاتوری و اغراق آمیز است. این اغراق ممکن است باعث شود برخی از مخاطبان، شخصیت منفی را کم‌تر جدی بگیرند و جنبه تهدید آمیز او را باورپذیر ندانند.

۴. تفاوت با نسخه اصلی:

برای کسانی که به نسخه اصلی کتاب رولد دال یا فیلم‌های قبلی علاقمند هستند، این نسخه موزیکال ممکن است کمتر درگیرکننده به نظر برسد. برخی از عناصر داستان اصلی ساده‌سازی شده یا تغییر کرده‌اند تا با قالب موزیکال سازگار شوند، که ممکن است برای مخاطبانی که انتظار نسخه‌ای نزدیک‌تر به کتاب دارند، ناامیدکننده باشد.

۳-۲. نقد روانشناسی:

فیلم ماتیلا موزیکال (۲۰۲۲) از دیدگاه روانشناسی، به ویژه از نظر تأثیر محیط‌های خانوادگی و مدرسه‌ای بر رشد شخصیت و رفتار کودکان، قابل تحلیل و نقد است. در این مقاله سعی شد تا با نگاهی روانشناختی به تحلیل فیلم و بررسی نقاط قوت و ضعف آن پرداخته شود.

۱. تأثیر محیط خانوادگی:



الف) بی‌توجهی و سوءاستفاده: والدین ماتیلدا، آقای و خانم ورم‌وود، شخصیت‌هایی بی‌توجه و غیرحمایتی هستند که به جای تشویق و حمایت از فرزندشان، او را تحقیر و نادیده می‌گیرند. این رفتار می‌تواند به مشکلات روانی و عاطفی در کودکان مانند کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و احساس عدم امنیت منجر شود. ماتیلدا که دائماً توسط والدینش نادیده گرفته می‌شود، به وضوح از این بی‌توجهی رنج می‌برد و به دنبال جلب توجه و تأیید در مکان‌های دیگر، مانند مدرسه، می‌گردد.

ب) مقابله با فشار روانی: ماتیلدا با وجود شرایط خانوادگی نامساعد، با استفاده از هوش و قدرت‌های ویژه خود، به مقابله با مشکلات برمی‌خیزد. این نشان‌دهنده استحکام روانی و سازگاری اوست. اما در زندگی واقعی، چنین شرایطی می‌تواند منجر به مشکلات عمیق‌تری در بزرگسالی از جمله مشکلات در رابطه‌های اجتماعی و احساسی شود.

۲. تأثیر مدرسه:

الف) نقش معلم: خانم هانی، معلم دلسوز و حمایتگر ماتیلدا، نماینده تأثیرات مثبت یک معلم در رشد روانی و تحصیلی کودکان است. حمایتی که او از ماتیلدا به عمل می‌آورد، به طور واضح به بهبود اعتماد به نفس و انگیزه او کمک می‌کند. تحقیقات روانشناسی نشان داده‌اند که معلمان دلسوز می‌توانند تأثیرات عمیق و مثبتی بر سلامت روان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشند. در واقع نشان دادن نقش مثبت و حمایتگر خانم هانی می‌تواند به عنوان یک مثال خوب از تأثیرات مثبت معلمان بر سلامت روان دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد.

ب) مدیر مدرسه: خانم ترانچبول، مدیر خشن و مستبد مدرسه، نماینده تأثیرات منفی یک محیط آموزشی سرکوبگر است. رفتار او، شامل تهدید و استفاده از روش‌های تنبیهی شدید، می‌تواند به ایجاد اضطراب، ترس و کاهش انگیزه در دانش‌آموزان منجر شود. این نوع مدیریت می‌تواند به اختلالات روانی مانند استرس مزمن و اختلالات اضطرابی در کودکان نیز منجر شود.

۳. پدیده‌های روانشناختی:

الف) شناخت خود و احساس ارزشمندی: ماتیلدا با وجود برخورد‌های منفی از سوی خانواده و مدیر، موفق می‌شود که حس ارزشمندی و خودباوری خود را حفظ کند. این موضوع می‌تواند به عنوان یک نمایش مثبت از مقاومت و قدرت درونی افراد در برابر فشارهای منفی اجتماعی و خانوادگی مورد تحلیل قرار گیرد. در واقع، توانایی او در شناسایی و استفاده از قدرت‌های ویژه‌اش به معنای بروز خودشناسی و اعتماد به نفس است که به ندرت در شرایط مشابه مشاهده می‌شود. بعبارت دیگر قدرت و استقامت ماتیلدا در برابر مشکلات، نمایانگر توانایی افراد در مقابله با محیط‌های نامساعد و حفظ اعتماد به نفس خود است، که می‌تواند به عنوان یک پیام انگیزشی در نظر گرفته شود.

۴. نتیجه‌گیری:

هدف از این مطالعه بررسی موضوعات مطرح شده آموزشی فیلم ماتیلدا در حیطه نحوه برخورد خانواده، معلم و مدیر با کودکان و تأثیر آن در تربیت است. در این فیلم کارگردان برای افزایش جذابیت در صحنه‌ها و از بین بردن فضای خشک و خشن حضور مدیر از جذابیت موسیقایی و استفاده از گزینه موزیکال کردن در این نسخه از فیلم استفاده کرده است. همین مورد در کنار بزرگنمایی در کنار توانمندی‌های ماتیلدا باعث شد این فیلم حتی برای کودکان نیز جذابیت تماشا داشته باشد. از جهت آموزشی این فیلم از دیدگاه اثر خانواده بر دانش‌آموز قابل تحلیل است. خانواده ورم‌وود (والدین ماتیلدا) نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت او ایفا می‌کنند، هرچند که این نقش، عمدتاً منفی و سرکوبگرانه است. خانواده ورم وود که شامل پدر و مادر ماتیلدا هستند، نماینده والدینی هستند که نه تنها توجهی به نیازها و استعداد‌های فرزندشان ندارند، بلکه به شکلی فعالانه مانع رشد او می‌شوند (نماینده خانواده‌های بی‌توجه و غیرحماسی). پدر و مادر ماتیلدا او را نادیده می‌گیرند و به او بعنوان یک مزاحم نگاه می‌کنند. در عوض، آنها به مادیات، سرگرمی‌های سطحی و فریب دیگران علاقمند هستند. این عدم توجه و بی‌مسئولیتی باعث می‌شود که ماتیلدا به عنوان یک کودک، احساس انزوا و تنهایی کند. او در خانه خود، نه تنها حمایت و توجه



دریافت نمی‌کند، بلکه با تحقیر و تمسخر مواجه می‌شود. این وضعیت می‌تواند نشان دهد که بی‌توجهی و عدم حمایت والدین تا چه حد می‌تواند اثرات منفی بر روحیه و اعتماد به نفس یک کودک بگذارد. در واقع ماتیلدا در محیط خانواده خود، احساس ارزشمندی و اهمیت نمی‌کند. بعبارت دیگر این فیلم به نوعی به نحوه برخورد والدین و سبک‌های ارتباطی آنها با کودک اشاره دارد که در اینجا نشان می‌دهد چطور ذهنیت و اسنادهای والدین از ابتدای فرزندپروری می‌تواند در نحوه برخورد آنها با فرزند در طول فرایند زندگی اثر بگذارد. از طرفی زمانیکه کودک از نظر هوشی توانمند باشد گاهی این درون ریزی‌ها را در قالب تخیل و داستان بروز می‌دهد که در این فیلم خانم کتابدار برای ماتیلدا در این مورد گوش شنوای خوبی بود و همین عامل دیده شدن منجر به علاقه ماتیلدا به ادامه برقراری رابطه با او شد. در بخش دیگری با ورود ماتیلدا به مدرسه به نوع دیگری از روابط میان دانش آموزان با معلم و مدیر اشاره دارد که کارگردان با خلاقیت خود به دو نوع متفاوت از برخوردها در جریان مدرسه اشاره دارد. نوع اول برخورد مستبدانه مدیر که رابطه بد و برخورد نامناسب مدیر با دانش آموزان است و نوع دیگر نمایانگر برخورد خوب و رابطه صمیمانه معلم با ماتیلدا و همه دانش آموزان است. در واقع محتوای روابط انسانی شامل انگیزش، ارتباطات، ادراک، قدرت، روحیه، تصمیم‌گیری و ابعاد و اصول آن دیدگاه‌ها و احساسات می‌باشد. در مدل اول خانم ترانچبول نماد خشونت، دیکتاتوری و سلطه‌گری (نماینده تعلیمات منفی و سرکوبگرانه) است. او از روش‌های تنبیهی و وحشیانه برای کنترل و ترساندن دانش آموزان استفاده می‌کند. تأثیرات منفی او بر کودکان واضح است؛ آن‌ها دائماً در ترس و اضطراب به سر می‌برند و از اظهار نظر و بروز خلاقیتشان اجتناب می‌کنند. نقش ترانچبول به خوبی نشان می‌دهد که چگونه مدیران و معلمان ناکارآمد می‌توانند اثرات منفی عمیقی بر روان و انگیزه دانش آموزان بگذارند. در مدل دوم خانم‌هایی به عنوان معلم ماتیلدا، نماد محبت، فهم و حمایت (نماینده تعلیمات منفی) است. او به جای سرکوب توانایی‌های خارق‌العاده ماتیلدا، او را تشویق می‌کند تا استعدادهایش را کشف کند و از آنها بهره بگیرد. تأثیر خانم‌هایی بر ماتیلدا و سایر دانش آموزان نشان‌دهنده این است که یک معلم دلسوز و مهربان می‌تواند به رشد شخصیتی و فکری دانش آموزان کمک کند. خانم‌هایی همچنین نمایانگر این است که معلمان که به توانایی‌های کودکان باور دارند و آنان را تشویق می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در افزایش اعتماد به نفس و موفقیت آنها داشته باشند. این نقش معلم به عنوان یک جایگزین برای نقش والدین، نشان‌دهنده این است که در برخی موارد، کودکان ممکن است به دنبال حمایت عاطفی و روانی خارج از خانواده خود باشند، به‌ویژه زمانی که محیط خانوادگی آنها نامساعد است و محیطی بهتر و حامی و منبع امنیتی پیدا کنند. ماتیلدا به عنوان قهرمان داستان (نماینده توانایی بالقوه کودکان)، شخصیتی است که با وجود شرایط سخت، توانایی‌های منحصر به فرد خود را کشف می‌کند. تأثیر خانم‌هایی و خانم ترانچبول بر ماتیلدا نشان می‌دهد که محیط مدرسه و نحوه برخورد معلمان و مدیران تا چه اندازه می‌تواند بر رشد کودکان تأثیرگذار باشد. در حالی که ترانچبول سعی دارد تا خلاقیت و استقلال فکری ماتیلدا را سرکوب کند، خانم‌هایی او را تشویق می‌کند که راه خود را پیدا کند و استعدادهایش را به نمایش بگذارد. در مجموع می‌توان گفت فیلم این پیام را منتقل می‌کند که نقش معلم و مدیر در شکل‌گیری شخصیت و آینده دانش آموزان بسیار حیاتی است و نوع برخورد آن‌ها می‌تواند تفاوت‌های زیادی در زندگی کودکان ایجاد کند. همچنین به اهمیت حمایت، محبت و توجه در محیط خانواده اشاره دارد و تأکید می‌کند که خانواده می‌تواند هم نقش حمایتی مثبت و هم تخریب‌گرانه بر شخصیت و رشد کودکان داشته باشد. بعبارت دیگر این فیلم به انواع برخورد با کودکان در محیط خانواده و مدرسه و تأثیرات آن اشاره دارد و از این رو می‌تواند بعنوان نمونه‌ای به معلمین و کادر مدرسه برای نحوه برخورد و اثرات آن بر دانش آموزان البته با چاشنی موزیکال و کمی بزرگنمایی پیشنهاد شود.

قدردانی: از کلیه عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری کرده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.

تعارض منافع: تعارض منافی توسط نویسندگان برای این پژوهش گزارش نشده است.



منابع و مراجع:

- افروز، غلامعلی. (۱۳۹۶). روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان. انتشارات انجمن اولیا و مربیان ایران.
- آراسته، حمیدرضا و محمودی راد، مریم. (۱۳۸۹). شناسایی ویژگی‌ها و رشد نخبگان. زمستان ۱۳۹۲. شماره ۳۴.
- آراسته، حمیدرضا و محمودی راد، مریم. (۱۳۸۹). شناسایی ویژگی‌ها و رشد نخبگان. زمستان ۱۳۹۲. شماره ۳۴.
- البرزی، محبوبه (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های ارتباطی معلمان با خلاقیت شناختی دانش‌آموزان بر اساس باورهای شناختی و انگیزشی آنان. مجله روانشناسی معاصر. ۵(۲). ص ۴۶-۳۳.
- روحانی دهکردی، سولماز و باقری قلعه سلیمی، اشرف (۱۳۸۹). مدرسه و نقش آن در تربیت ارزشی مجله معرفت. شماره ۱۷۹. آبان. ص ۹۵-۱۰۳.
- روشه گی، م. (۱۳۸۵). تغییرات اجتماعی ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۱). روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات دوران.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۶). روانشناسی آموزش و پرورش. انتشارات اطلاعات.
- شکوی یکتا، محسن؛ اکبری زردخانه، سعید؛ پرند، اکرم؛ محمودی، مریم و مزولی، پریسا. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش حل مسئله به مادران بر فرآیندهای خانواده و روش‌های فرزندپروری آنها. فصلنامه سلامت روان کودکان. دوره سوم. شماره ۱.
- فرمنده، خدیجه و جعفری، اصغر. (۱۳۹۴). رابطه مشکلات رفتاری و بی‌توجهی به نیازهای آموزشی کودکان. ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران.
- قمری، م؛ امیری مجد، م و خوشنام، ع. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده و تعارض والدین-نوجوان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی. مجله علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی ۲۸. ص ۵۱-۶۲.
- مجدهی، نیلوفر. (۱۴۰۲). نقد و بررسی فیلم و سریال <https://www.plaza.ir>.
- معینی زاده، سید حسن. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین وضعیت خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. اولین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات مدیریت، آموزش و پرورش در آموزش و پرورش.
- ملا محمدی، فاطمه. (۱۳۹۷). آموزش مهارت‌های اجتماعی با بازی برای کودکان پیش دبستانی. انتشارات السانا.
- ملک‌نیا، آرزو سادات؛ هاشمیان، کیانوش و ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۷). تبیین روابط ساختاری بین کیفیت روابط والدین-کودک و جو عاطفی مدرسه با قلدری مدرسه: ارزیابی نقش میانجی خودپنداره. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی. دوره ۱۴. شماره ۵۰. صفحات ۷۸-۵۷.
- نصریابی بیگلر، فاطمه. (۱۴۰۲). تأثیر تعامل معلم و دانش‌آموز بر پیشرفت تحصیلی. سومین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-286.

Gindis, B. (۱۹۹۹). Vygotsky's vision: Reshaping the practice of special education for the ۲۱st century. *Remedial and Special Education*. 20 (6), 333-340.

Halinger, P. & Heek, R. (1996). Reassessing the principals role in school effectiveness: A Review of empirical research, 1980-1995. *Educational Administration Quarterly*, 32 (1), 5-44.



- Halinger, P. (2003). The emergence of school leadership development. The Netherlands: Swets & Zeitlinger.
- Laura L. Smith Charles H, Elliott. (2011). The Child Psychology and Development for Dummies,
- Reeve, J. S., Jang, H., Hardre, P., & Omura, M. (2005). Providing a Rationale in an Autonomy-Supportive Way as a Strategy to Motivate Others During an Uninteresting Activity". Motivation and Emotion, 26, 183-207.
- Reeve, J., & Jang, H. (2006). What Teachers Say and Do to Support Students' Autonomy During a Learning Activity. Journal of Educational Psychology , 98, 209-218.
- Reynolds, D. & creemers, B. P. M. (1990). School effectiveness and school improvement. School Effectiveness and School Improvement, 1(1), 1-3.